

سیری تاریخی در جدید ترین ترجمه های مولوی پژوهان معاصر عرب

زهرار فیعی راد



چکیده

رشد ادبیات تطبیقی در عصر معاصر، معرفتی ادب و ادبای فارسی زبان به ویژه مولانا را به جهانیان در پی داشت و در این راستا، روند مولوی پژوهی با اقبال ویژه‌ای در محافل ادبی عرب خاصه در حوزه‌ی ترجمه مواجه شد. این روند در قرون اخیر و در بلاد عربی آن چنان مورد توجه مترجمین و پژوهشگران عرب قرار گرفت که در کمترین مدت بیشترین آثار ترجمه شده به صورت منظوم و منثور به جهانیان ارائه داده شد. این ترجمه ها همگی در راستا و در تأیید یکدیگر صورت گرفتند و خود عامل مهمی در معرفتی شخصیت مولانا آثار و احوالش گردیدند تا جایی که منجر به شناخت بیشتری نسبت به زوایا و خفایای شخصیت و آثار مولانا شدند. این ترجمه ها یا مستقیماً ترجمه‌ی آثار مولانا بودند و یا ترجمه‌ی آثار معاصرین در اقصی نقاط جهان را تشکیل می دادند.

کلید واژه: مولوی پژوهی، عرب، معاصرین، ترجمه ها

مقاله‌ی حاضر در صدد است تا سیر تاریخی ترجمه‌های انجام شده توسط مولوی پژوهان عرب را در دو قرن اخیر مورد بررسی و تحلیل قرار دهد که بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است و جنبه‌ی توصیفی-تحلیلی دارد. هدف از این مقاله نشان دادن تلاشها و حرکتهای مولوی پژوهان عرب در حیطه‌ی ترجمه و اشکال آن است که بر اساس مطالعات تاریخی و تحلیلی صورت گرفته است.

مقدمه

با پیدایش نهضت فراگیر علمی که در سراسر دنیا به وقوع پیوسته بود، تمامی عرصه‌های فرهنگ و ادب نیز تحت تاثیر این نهضت جهانی، روند پیدایی، رشد و شکوفایی خود را در پیش گرفت تا جایی که گرایش‌های متعدد و مکاتب گوناگونی در پی آن ایجاد گردید. از سویی در طی این تحولات، بروز پدیده‌ی ترجمه خود بخود عاملی مؤثر برای ایجاد ارتباطات میان ملل مختلف و مقارنه و مقایسه‌ی ادبیاتشان با یکدیگر در اقصی نقاط جهان شد و در نتیجه، محیط مناسبی برای عرض اندام ادبیات تطبیقی ایجاد می‌کرد. با رشد ادبیات تطبیقی و مطرح شدن بحث مقارنه و مقایسه‌ی میان ملل و آدابشان که ابتدا در فرانسه با مکتب خاص ملیتی خود و مکتب امریکایی با ایده‌های فراملیتی نمود یافت و به تبع آن در سایر کشورهای اروپایی، ادامه یافت، ادبیات تطبیقی را با رویکردهای خاصی مواجه ساخت. (ویلیک، ۱۹۹۰: ۱۰۱) ماحصل این مقایسه‌ها به شناساندن و معرفی آداب و ادبای سایر ملل با ملت‌های دیگر انجامید که چون پلی میان دو فرهنگ، تمدن و ملت کشیده می‌شد و طبیعتاً رشد و شکوفایی روابط عمیق فکری، فرهنگی و ادبی را در میانشان بوجود می‌آورد (هلال، د.ت: ۲۷-۲۰). در این خصوص موضوعاتی که به این ارتباطات قوت بخشید، پیش‌تر و بیش‌تر از هر موضوعی، ترجمه بود که شرق‌شناسی هم جزئی از آن به شمار می‌رفت که در این مقال قصیر مجال ورود به زوایا و خفاهای آن نباشد. هر چند که مطالعات ترجمه به عنوان ابزاری جهت شناخت آداب، فرهنگ و عادات و رسوم مشرق زمین عمل می‌کرد.

در آغاز قرن نوزدهم پژوهشگران غربی را بر آن داشت که آثار متعددی از مشرق زمین

(بوئیه ایران و سرزمین های عربی) به زبانهای اروپایی ترجمه کنند. امری که مجال ورود این پژوهشگران را به مباحث مربوط به شرق شناسی به خوبی فراهم می آورد. در میان این ترجمهها ادبیات و ادبای قدیم فارسی بیش از همه ی آثار مشرق زمین با اقبال ویژه ای از سوی جهانیان و خصوصا پژوهشگران و شرق شناسان اروپایی مواجه شد. سپس سایر ملل و بوئیه سرزمینهای عربی، این آثار و تالیفات ترجمه شده شد را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. بدین ترتیب، جهان عرب با ادبای ایران زمین، سبک و آثارشان آشنا شد تا ابواب ارتباط با فرهنگ غنی ایرانی توسط انبوهی از ترجمهها که در زمینهای گوناگون ادبیات فارسی، آثار ادبا و شعرايش صورت گرفته بود، گشوده شود و در نتیجه شخصیت ها و آثار ادبی ادبایی نظیر حافظ سعدی، خیام و بوئیه مولانا جلال الدین رومی، یکی پس از دیگری ترجمه و سپس مورد تتبع ناقدان صاحب ذوق عرب قرار گیرد که مهم ترین شکل آن در ابتدا ترجمه ی آثار مولانا و سپس ترجمه ی آثار دیگر مولوی پژوهان جهان بود. از آنجا که مولوی پژوهان عرب در قرن های ۲۰ و ۲۱ بیشترین اهتمام خویش را مصروف ترجمه ی آثار مربوط به مولانا نمودند و در این راستا بیشترین ترجمه ها را به جهانیان ارائه دادند، مقاله ی حاضر به نمایش گوشه هایی از این ترجمه ها که از جدیدترین و نیز بدیع ترین آن نیز به شمار می رود پرداخته است که بنا به سیر تاریخی شان پیش روی ادب دوستان مولوی پژوه قرار خواهد گرفت.

بیان مسأله اشتمال آثار مولانا بر مبانی غنی عرفانی و کثرت این آثار سبب شد مولوی پژوهان غربی در خصوص ادبای فارسی قدیم، توجه خاصی را به مولانا نشان دهند. این امر با اولین ترجمه و شرح مثنوی از قرن هجدهم توسط وینفیلد (۱۸۹۸) و ویلسون (۱۹۱۰) و نیکلسون (۱۹۲۶) و آدربری (۱۹۶۶) آغاز شد تا مسیر تکامل و شکوفایی خود را از طریق ترجمه های مثنوی و تاثیر پذیری از سبک مولانا در آثار ادیبانشان به منصفی ظهور رساند و در مراحل بعدی با تألیف کتب، مقالات و برپایی کنفرانسهای متعدد مولانا را به جهانیان معرفی نماید. پس از اروپاییان، شخصیت مولانا در میان ملت های دیگر بوئیه ملت های عرب مورد ارزیابی ویژه ای قرار گرفت و اندیشه ها و افکار و آثار مولانا ابتدا توسط مترجمین و ادبای مصری سپس عراقی و لبمانی و سوری به جهان عرب معرفی شد. از سویی شخصیت جامع الأطراف مولانا جلال الدین رومی چنان ادبای

عرب را مجذوب خویش ساخت که پیرامون آن مطالعات و پژوهشهای فراوانی را در باب ترجمه انجام دادند و گویا با تلاش‌های تطبیقی خود جمیع ملت‌های جهان را به توجه و تمرکز در خصوص ابعاد شخصیتی او فراخواندند. این روند ترجمه‌ای در تمامی سرزمینهای عربی نظیر لبنان و عراق و سوریه ادامه یافت تا در مراحل بعدی با تطورات تازه‌ای نظیر تألیف کتب، مقالات و سرودن اشعار، اجرای نمایشنامه‌های متعدد و خلق داستان‌های گوناگون پیرامون شخصیت، آراء و آثار مولانا همراه شود. لذا سیر تاریخی مولوی پژوهی ابتدا با چاپ و انتشار آثار مولانا جلال‌الدین رومی و سپس ترجمه‌ی آن آثار، اعم از مثنوی، رباعیات مولانا و سایر آثار مولوی همراه شد تا مسیر خود را در میان ادبا و نویسندگان، شعرا و متفکرین عرب به خوبی پیدا نماید.

ترجمه‌های صورت گرفته از آثار مولانا به شکل ترجمه‌ی (منظوم و منشور) تجلی یافت و بعدها با اهتمام نویسندگان عرب به شکل ترجمه‌ی آثار سایر نویسندگان غیر عرب اعم از کتب یا مقاله فعالیت خود را در پیش گرفت که تا به امروز نیز ادامه دارد. در این راستا و در نتیجه‌ی این ترجمه‌ها بود که شاهد تألیفات متعددی در قالب کتب و مقالات از یک سو و کنفرانس‌ها و همایش‌های مختلف از سوی دیگر از سوی معاصرین عرب بودیم به جهانیان معرفی شد و تأثیر افکار مولانا بر اندیشه‌ها و افکار و آثار ادبا و متفکرین عرب به نحو چشمگیری صورت گرفت، تا جایی که منجر به خلق آثاری بی‌بدیل پیرامون تصوف و گرایشهای صوفیانه و تأسیس طریقه‌ی مولویه و برپایی تکایا در میان ادبای مسیحی و مسلمان جهان اعم از عرب و غیره شد.

پیشینه و روش تحقیق: در میان کشورهای عربی سیر تاریخی-تحلیلی مولوی پژوهی عرب در حوزه‌ی ترجمه به شکل مقاله یا کتابی مستقل بررسی نشده است و هر آنچه موجود است تحقیقات و پژوهشهای گوناگون و پراکنده شخصیت مولانا آثار و افکار اوست که در قالب ترجمه به صورت کتب و یا مقالات ظهور یافته است. اما در ایران نیز به بررسی آثار مولوی پژوهان عرب در عصر حاضر به طور کلی اعم از ترجمه یا تألیف پرداخته شده است، نظیر مقاله‌ی آقای دکتر حجت‌رسولی پیرامون مولوی پژوهی در میان معاصرین عرب با عنوان «مولانا در جهان معاصر عرب» که در نشریه‌ی تخصصی

مولانا پژوهی، سال اول، شماره ی چهارم، زمستان ۱۳۸۹ چاپ شده است و دیگری مقاله‌ی وزین از دکتر نرگس گنجی و فاطمه اشراقی می‌باشد با عنوان درنگی در آثار و منابع مولوی پژوهی در جهان عرب که در نشریه‌ی مولانا پژوهی چاپ شده است و در آن سیر کامل مولوی پژوهی همراه با جدیدترین ترجمه‌ها و یا تألیفات و مقالات مورد بررسی قرار گرفته است.

این مقالات به بحث ترجمه‌های صورت گرفته به طور مستقل نپرداختند اما در خصوص مقاله‌ی حاضر باید اشاره کرد این مقاله ضمن اینکه به دسته‌بندی ترجمه‌های عرب از آثار مولانا پرداخته است، جدیدترین ترجمه‌های انجام شده را از نیزارائه می‌دهد. ضمن اینکه با بررسی و تحلیل نیز همراه است و صرفاً جنبه‌ی گزارش آن ترجمه‌ها را ندارد. روش تحقیق در مقاله‌ی حاضر به صورت کتابخانه‌ای و بر مبنای توصیف و تحلیل می‌باشد که جدیدترین روند مولوی پژوهی را در آثار گوناگون مترجمان، مؤلفان و اندیشمندان معاصر عرب مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهد.

در ابتدا به تاریخچه‌ی مباحث مولانا پژوهی و روند بروز و نشوء این مطالعات در میان پژوهشگران عرب پرداخته می‌شود و اشکال مولوی پژوهی نظیر چاپ و انتشار، ترجمه‌ی آثار مولانا، تألیف کتب مقالات در خصوص مولانا و سپس تقلید از سبک مولانا در آثار ادبی مانند شعر نمایشنامه و... نموده می‌گردد آنگاه زبده‌ترین و جدیدترین ترجمه‌ها، کتب و مقالات و.. در این خصوص معرفی خواهد شد. بدان امید که فتح بابی در مقوله‌ها و موضوعات دیگر مرتبط با مولانا باشد. در این بخش به گوشه‌هایی از سیر تاریخی ترجمه‌های صورت گرفته‌ی معاصرین عرب در عصر حاضر و اولین گامهای صورت گرفته یعنی ترجمه‌های گوناگون از آثار مولانا که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم است پرداخته می‌شود سپس به تألیفات مرتبط که آن هم به شیوه‌ی ترجمه صورت گرفته است اشاره می‌گردد.

سیر تاریخی ترجمه‌های انجام شده‌ی مولوی پژوهان معاصر عرب

الف: ترجمه‌های آثار مولانا (ویژگی‌ها و خصائص)

اولین ترجمه‌های صورت گرفته درباره‌ی مولانا مربوط است به یوسف بن احمد القونوی

المولوی (۱۸۷۷ م، ۱۲۳۲ هـ) با کتاب «المنهج القوی لطلاب الشریف المثنوی» وی ضمن ترجمه‌ی مثنوی به شرح آن نیز پرداخته و همه‌ی شش دفتر مثنوی را ترجمه و شرح نموده است. (عبدالعزیز، ۱۹۵۱: ۲۳) دیگری عبدالعزیز صاحب الجواهر از نوادگان شیخ محمدحسین صاحب «الجواهر» و برادر محمدمهدی جوهری ملک الشعراى عراق است که ترجمه‌ی منظوم و شرح مثنوی مولانا را بر عهده گرفته است با نام «جواهر الآثار فی ترجمه مولانا خداوندگار جلال الدین الرومی» (بدوی ۱۹۷۸: ۱۸۹) آنگاه از دیگر پیشکسوتان مولوی پژوه عرب می‌توان به استاد دکتر عبدالوهاب عزّام در دهه‌ی چهل قرن بیستم اشاره کرد که تمام ابیات مولانا (شش دفتر مثنوی) را به عربی منظوم ترجمه نمود.

ترجمه‌ای سلیم و روان که منطبق با وزن مثنوی و آهنگ آن نیز بود! ترجمه‌های وی در ابتدا در مجلات عربی به طور پراکنده چاپ می‌شد، سپس «فصول من المثنوی» را منتشر و مقالات و ترجمه‌های سابق را مقدمه‌ی آن قرار داد. (بکار، ۱۳۸۲: ۱۷۸) عبدالوهاب عزّام، به «بانگ نای» مولانا آنقدر علاقه مند شده بود که تقریباً در همه‌ی مجلات و کتاب‌های خود به آن اشاره کرده مثلاً در کتاب «قصه‌الادب فی العالم ترجمه‌ی منظومه‌ی خود از بانگ نای مثنوی را اینچنین آورده است:

شَفَّهَ الْوَجْدُ طَوِيلًا فَشَكِي	إِسْتَمَعَ لِلنَّايِ غَنَى وَ حَكِي
مَلَأَ النَّاسَ أُنَيْنِي شَجْنَا	مُدَّ نَايَ الْغَابِ وَ كَانِ الْوَطْنَا
كِي أَبْتُ الْوَجْدَ فِيهِ خَرْقَا	أَيْنَ صَدْرٍ مِنْ فِرَاقٍ مُزَّقَا
يَبْتَغِي الرَّجْعِي لِمَعْنَى وَصَلِه	مَنْ تُشَرِّدُهُ النَّوَى مِنْ أَصَلِه

(عزّام، عبدالوهاب، ۱۹۴۶...: ۴۹۰-۴۹۸)

دکتر عبدالوهاب عزّام معمولاً در مجله‌ی «الرساله» شماره‌های متعدّد به چاپ این ترجمه‌های پرداخت. پس از استاد عبدالوهاب عزّام از دیگر مولوی پژوهان معاصر عرب که به ترجمه‌ی آثار مولانا بویژه مثنوی وی پرداخته‌اند می‌توان به دکتر محمد عبد السلام کفافی اشاره کرد. کفافی نیز به ترجمه‌ی مثنوی جلال الدین رومی پرداخت و آن

را در دو جزء به انجام رسانده است اما متأسفانه موفق نشد تا همه‌ی شش دفتر مولانا را ترجمه نماید. وی نیز در مقدمه‌های وافی به شرح حال مولانا و آثار ادبی و موضوعاتش و نیز شعر تعلیمی وی، سپس به معرفی مثنوی، شروع و ترجمه‌های آن اعم از فارسی، ترکی و عربی پرداخت و سپس ترجمه‌ی آن را پیش روی همگان قرار داد. از ویژگی‌های ترجمه‌ی استاد عبدالسلام کفافی این است که اولاً منشور است و ثانیاً هر شعری را به مثنوی معنوی ارجاعی دقیق می‌دهد ضمن اینکه توضیحات لغوی ابیات را در سر لوحه‌ی کار خود قرار داده است.

وی همچنین در این مقدمه به شهرت مثنوی در مشرق زمین اشاره کرده و علامه محمد اقبال لاهوری را از شیفتگان مکتب مولانا معرفی نموده چراکه اشعار خود را مرهون مولانا و فلسفه‌ی وی می‌داند بویژه در «اسرار خودی» (کفافی، عبدالسلام، ۱۹۶۶: ۴۲) کفافی در ادامه‌ی مقدمه‌اش به اقبال اروپائیان از مثنوی در قالب ترجمه یا پژوهش اشاره کرد و شرق‌شناسان انگلیسی را در مقدمه‌ی مولوی پژوهان اروپا قرار داده و از جمله آنان به نیکلسون که قریب به ۳۰ سال از عمر خود را عاشقانه و خالصانه صرف پژوهش و ترجمه آثار مولانا کرده است اشاره نمود. نیز به «آربری» شاگرد نیکلسون اشاره کرد که به ترجمه و تحقیق در خصوص مولانا پرداخته است.

سپس، کفافی، به محمدخلف الله با مقالهای تحت عنوان «جلال الدین الرومی فی نظر الباحثین» اشاره نموده است. (همان ۴۸) وی در ادامه‌ی مقدمه‌ی ترجمه‌اش، درباره‌ی مثنوی مولانا می‌گوید: «بله! مثنوی مانند شهری است که از تو می‌خواهد وارد آن شوی، حکمت و نور را در آن ببینی و در نتیجه نشاط یابی! در آن صورت است که چشمانت تصویر بدیعی خواهد دید و اینکه کلمات مولانا از محسوس به معقول و از لفظ به معنا هدایت خواهد کرد! لذا به باغ دلت بنگر که چگونه سرسبز و تازه و با طراوت شده است و پر از شکوفه‌های یاسمن و گل‌های سرخ گردیده است!» (همان: شرح ابیات شماره ۱۸۹۷).

وی معتقد است هر کس نظری گذرا به مثنوی بیندازد می‌بیند که مثنوی يك شکل از اشکال تفسیر قرآن و حتی ترجمه‌ی آیات قرآن است! چرا که با خواندن آن خواهد



فهمید که مثنوی شرح خدا و برهان الهی است و صاحب آن ارزش های اسلامی درخشان را با زبانی زیبا و جذاب و منور به آیات قرآن بیان نموده است. آن وقت خواهد دانست که چقدر این طراوت و صفا و چشمه‌ی جوشان قیاض او را به سمت و سوی جهانی آسمانی و اهدافی بلند هدایت می کند جایی که بشریت طالب آن است. (کفافی ۲۰۰۹: ۲۲) پس از کفافی، مولوی پژوه و مترجم دیگر استاد دکتر ابراهیم الدسوقی شتا از شاگردان خلف استاد کفافی ادامه‌ی ترجمه‌ی مثنوی کفافی را بر عهده گرفت تا مسیر ناتمام استادش را به پایان رساند. وی نیز چون استادش مقدمه‌ای وافی در معرفی مولانا جلال الدین رومی، آثار و احوالش نگاشته است که در ضمن آن به شروح فارسی و ترکی مثنوی نظیر شرح «جولنبارلی» و شروح مولوی شناسان مطرح ایرانی نظیر استاد «عبدالحسین زرین کوب، استاد «فروزانفر» و «محمد استعلامی» و پژوهش‌های «پروفسور آنه ماری شیمل» شرق شناس بزرگ زن آلمانی و اشاره نموده است. وی به ترجمه‌های ماقبل از استادش کفافی نظیر ترجمه‌ی یوسف بن احمد المولوی و عبد العزیز صاحب الجواهر و ترجمه‌ی نیکلسون اشاره کرده و ترجمه‌ی استادش کفافی را از نظر ناقدانه‌ی خویش دور نداشته است. (شتا، ابراهیم الدسوقی، ۱۹۹۶، مقدمه)

استاد دکتر شتا در ترجمه‌ی خود اتمکا به تحقیق علامه فروزانفر داشت ولی ارجاع اصلی وی به ترجمه مستشرق انگلیسی آرتور آربری است. بنا به گفته‌هایش در جاهایی که برای ترجمه‌ی مثنوی اشکالی برایش ایجاد می شد، به ترجمه‌ی آرتور آربری، مراجعه می کرد و لذا تلخی‌ها و سختی‌های پیش رو در ترجمه‌ی خود را به شیرینی عباراتی از ترجمه‌ی آربری تبدیل می کرد. وی به سخنی از استادش عبدالسلام کفافی که در مقدمه‌ی ترجمه‌ی جزء دوم مثنوی گفته است، تمثّل جسته که: «ما نیاز شدیدی به تصوّف سازنده و مثبت داریم. تصوّفی که روح عربی اصیل را به زندگی برگرداند و غبار فراموشی را از جمالش پاک کند.

آنجاست که به قدرت خود خواهیم رسید! بله ما نیاز به ادبیات مؤدّب داریم. ادبی که این امت را از مصائبی که در آن و دست و پا می زند بیرون بکشد که این ادبیات را از اشعار مولانا میتوان دریافت.» (همان: ۲۱) از ویژگی‌های ترجمه‌ی استاد شتا منشور بودن آن است ضمن اینکه از سجع نیز برخوردار است.



وی نیز در ترجمه‌ی «بانگ نای» سروده:

إِسْتَمِعْ إِلَىٰ هَذَا النَّأْيِ يَأْخُذُ فِي الشُّكَايَةِ وَ مِنَ الْفُرْقَاتِ يَمْضِي فِي الْحِكَايَةِ
مُنْذُ أَنْ كَانَ مِنَ الْغَابِ اقْتِلَاعِي ضَجَّ الرَّجَالُ وَ النِّسَاءُ فِي صَوْتِ التِّيَاعِي
(همان: ۳۵)

پس از دکتر دسوقی شتا، رسالت نسل جدید مولانا پژوهان عرب را مترجمانی چون «عیسی علی عاکوب» بردوش گرفتند. وی به ترجمه‌ی سایر آثار مولانا نظیر فیه ما فیه پرداخته و مقدمه‌ی آن را بابیتی از محمد اقبال لاهوری آغاز کرده که سروده:

صَيْرَ الرُّومِي طِينِي جَوْهَرًا مِنْ غُبَارِي شَادَ كَوْنًا آخِرًا
جلال الدین رومی گل وجودم را به گوهر تبدیل کرده و از ذرات وجودم جهانی دیگر برافراشته است.

دکتر عاکوب نیز در مقدمه‌اش به سه موضوع اشاره می‌کند: زندگی مولانا جلال الدین الرومی، دیگری کتاب فیه ما فیه و در آخر داستان عاکوب با این ترجمه. مقدمه‌ی وی طبق روال مولوی پژوهان گذشته به زندگی مولانا و حوادث و اخبار و احوال زمان وی اشاره می‌کند و مهم‌ترین حوادث و رویدادهای زمان مولانا را به تصویر قلم می‌کشد و فلسفه‌ی فیه ما فیه را بیان می‌دارد. (عاکوب، عیسی، د.ت: ۲۱)

دیگر مولوی پژوه معاصر عرب که ترجمه‌ی آثار مولانا را محور اهتمام خویش قرار داده است، دکتر «محمد السعید جمال الدین» است که در ترجمه‌ی ارزشمندش «قصائد مختاره من دیوان شمس تبریز لجلال الدین رومی» ظهور یافته است. وی چون گذشتگان بر آن ترجمه مقدمه‌ای گران سنگ نوشته و در باب آن معتقد است که در تمامی قصائد مولانا، به این دلیل نام شمس، تکراری است که تفخیم و اعتلای نام و شخصیت و الای شمس تبریزی در نگاه مولانا به عنوان قطبی از اقطاب عالم وجود را مورد تاکید قرار داده است. جمال الدین در ادامه‌ی مقدمه‌اش طبق سنت همه‌ی مترجمین به شرح حال زندگی احوال و آثار مولانا و حوادث مهم در قرن هفتم و تأثیرات فرهنگ و تمدن



یونان و ایران در ادبیات آن زمان پرداخته است. وی همچنین معتقد است که مولانا گویا تجربی‌جیدی را در تاریخ تجارب درونی و روحی بشر پیموده چون عشق را در مرکز زندگی انسان و عامل ارتباطش با خدا دانسته است. وی در این کتاب از منابعی چون «مناقب العارفین» و «گزیده‌ی غزلیات شمس» محمدرضا شفیعی کدکنی، آثار استاد بدیع الزمان فروزانفر و استاد جلال الدین همایی استفاده نموده است و در ادامه به ترجمه‌ی دکتر محمد عبدالسلام کفافی اشاره می‌کند و اینکه بقیه‌ی اجزای آن را مرحوم دکتر ابراهیم الدسوقی شتا بر عهده گرفت. (همان: ۳۱) جمال الدین به رمزگرایی مولانا در اشعارش اشاره نموده است و به عنوان مثال گل سوسن مظهر سکوت و بنفشه سمبل تفکر و اندیشه می‌باشد (همان: ۴۱ - ۴۰) از ویژگی ترجمه‌ی این است که اولاً به نثر است ثانیاً نثر شعری برایش انتخاب نموده است. مثلاً در ترجمه‌ی این بیت مولانا که:

ای دل چه اندیشیده‌ای در عذر آن تقصیرها

زان سوی او چندان وفا، زین سوی تو چندین جفا
اینگونه ترجمه کرده: *أيها القلب ماذا لفت لكل ذلك التقصير فمن جانبه ثم يتابع الوفا من جانب هنا يتوالى الجفا.* (همان: ۵۴) یکی دیگر از ترجمه‌های انجام شده از آثار مولانا، ترجمه‌ای است که استاد دکتر محمد محمدی اشتهاردی در خصوص داستان‌های مثنوی انجام داده است. وی داستان‌های مثنوی را برگزیده و به عربی روان و در قالب نثری فصیح و متنی شیوا ترجمه نموده است. وی در مقدمه‌اش به معرفی سبک مولانا و هدفش از کتاب مثنوی درشش جزء پرداخته است. (محمدی، محمد، ۱: ۱۹۹۸-۱۵) داستان «السلطان والجارية الحسنة» (پادشاه و کنیز زیباروی) که اولین داستان وی است (همان: ۱۶-۲۰) و آخرین داستان هم «وصيه الاب الغطن و حكم القاضي» (وصیت پدر زیرک و حکم قاضی) داستان شماره‌ی ۲۰۱ از داستان‌های برگزیده‌ی استاد محمدی می‌باشند. (همان: ۱۹۴-۱۹۵)

دکتر بدیع محمد جمعه نیز در ضمن کتاب «من روائع الادب الفارسی» ترجمه‌هایی از اشعار مولانا جلال الدین را آورده است این کتاب در دو قسم نثر و نظم نگاشته شده است. در قسمت نظم، صفحات ۳،۳ تا ۳۱۹ را به ترجمه‌ی قصایدی از مولانا نظیر مرد خدا چه تدبیر خبری از یار ما و نمونه‌هایی دیگر را از رباعیات دیوان شمس تبریزی آورده است. البته دکتر جمعه پیش از آوردن ترجمه، نمونه‌هایی از اشعار شاعر مورد نظر و مختصری از تاریخ زندگی وی را نیز آورده و اثر وی را معرفی نموده است (همان: ۳۰۳) محمد عید ابراهیم نیز، رباعیات مولانا را به عربی ترجمه کرده است که دارالاحمدی در سال ۱۹۹۸ آن را منتشر نموده است. (منصور، محمد ابراهیم، ۱۹۹۹: ۱۹۴)

لازم به ذکر است که شعرای بسیاری اشعار مولانا بویژه «بانگک نای مولانا را به عربی ترجمه نموده‌اند. فراتی شاعر معروف عراقی از این دست است وی که گزیده‌هایی از اشعار شعرای فارسی زبان نظیر سعدی، حافظ و مولانا را به عربی ترجمه کرده است در کتابی با نام «روائع من الشعر الفارسی» انتشار داده است در در گزیده‌ی‌هایی از اشعار مولانا (بانگک نای) سروده:

إِسْمَعِ النَّأْيَ مُعْرَبًا عَنْ شُكَايَتِهِ بَعْدَ أَنْ كَانَ نَائِبًا عَنْ لِدَاتِهِ
 مَائِلًا فِي شُكَايَتِهِ لِلْعِبَادِ يَعِدُ صَحْبِي مَا ذُقْتُ طَعْمَ الرِّقَادِ
 كُلُّ مَنْ فَارَقَ الدِّيَارَ اقْتَسَارًا يَطْلُبُ الْوَصْلَ لَيْلَهُ وَالنَّهَارًا
 كُلُّ شَخْصٍ يَطْنُنِي مِنْ صَحَابِهِ وَهُوَ عَنِ سِرِّ نَوْحَتِي فِي حِجَابِهِ...
 ب - ترجمه‌های آثار مولوی پژوهان غیر عرب، ویژگی‌ها

مترجمین قهار عرب در عصر حاضر با شور و شغف بی بدیلی به ترجمه‌ی آثار گوناگون غیر عربی از اقصی نقاط جهان در خصوص مولانا پرداختند که در این راستا می‌توان به ترجمه‌ی کتاب «المولویه بعد جلال الدین الرومی» تألیف عبدالباقی گولپینارلی (۱۹۰۰-۱۹۸۲) استاد دانشگاه و پژوهشگر ادبیات و خلیفه‌ی فرقه مولویه‌ی اهل ترکیه بود اشاره کرد که عبدالله احمد ابراهیم در مصر به سال ۲۰۰۳ ترجمه نموده است.

وی در این کتاب به بررسی اوضاع شاعر در قرن سیزدهم میلادی می پردازد و سپس به منابع اصلی تاریخ طریقه‌ی مولویه اشاره می کند نظیر سپهسالار در مناقب خداوندگار و مناقب العارفین (همان: ۳۷) وی آنگاه به اذکار مولانا، تکایای مولویه در استانبول اشاره می کند و سماع مولویه و موسیقی آن را در فصول بعدی مورد بررسی قرار می دهد (همان: ۴۰)

دیگری کتاب «جلال الدین الرومی والتصوف» است که دکتر عیسی عاکوب از کتاب، مشترق زن مسلمان فرانسوی و مولوی پروژه مطرح جهان ترجمه نموده است که از موقعیت شایسته‌ای در محافل دانشگاهی فرانسه و به طور کلی در سطح غرب برخوردار بوده است. آشنایی نزدیک جهان عرب و اسلام با نامبرده از هنگامی است که وی در فواصل سالهای ۱۹۷۳-۱۹۶۹ به تدریس در دانشگاه الازهر پرداخت. ایوا میروبیچ در خصوص تفکر و آثار مولانا جلال الدین تخصص داشت. وی افکار آراء و اندیشه‌های مولانا را در سال ۱۹۹۰ میلادی در ۱۷۰۵ صفحه به انضمام یک مقدمه ۴۰ صفحه‌ای ترجمه و چاپ نمود. ترجمه‌ی این اثر گرانقدر را دکتر عیسی علی عاکوب به عربی برعهده گرفته است که با عنوان جلال الدین الرومی و التصوف می باشد.

یکی از ترجمه‌های انجام شده از کتب تألیفی غیر عرب، ترجمه‌ی کتاب اسلام شناس مطرح عالم پروفیسور «آنه ماری شیمل» درباره‌ی مولانا است (با نام «شکوه شمس» که در ایران توسط حسن لاهوتی مترجم فرهیخته، ترجمه گردید) که توسط دکتر عیسی علی عاکوب، ترجمه و با نام (الشمس المنتصره) به جهان عرب معرفی شده است. از انگیزه‌های دکتر عاکوب در این ترجمه توصیه‌ی پروفیسور آنه ماری شیمل است که در مقدمه‌ی این ترجمه گفته است: «من مطمئنم که آگاهی عرب نسبت به آداب مسلمانان ایرانی سبب میشود افق‌های وسیعی از ادبای مسلمان ایرانی را ببینند. (عاکوب، عیسی علی، ۱۴۲۲: ۲)

شیمل در ادامه می گوید: بارزترین چیزی که یک ادیب صاحب فرهنگ باید به دنبال آن باشد وابستگی قوی وی به گذشته و حال و آینده است و عارف تأثیرگذارترین فرد جامعه است. (همان: ۱۰) دکتر عاکوب خود معتقد است «شیمل» در خصوص اینکتاب

حدود چهل سال پژوهش نموده است و به بررسی همه ی صور مجازی در مثنوی نظیر آب زندگی، امراض، حیوانات، غذاها و... پرداخته است که مولانا در مثنوی خویش از آن استفاده کرده و بر آن مبنا مباحث الهی و نبوت را بیان نموده است. لذا «الشمس المنتصره» در راستای مولوی پژوهی وی قرار دارد چرا افق های وسیعی را پیش روی عرب نسبت به مولانا گشود! (همان: ۱۲)

ضمن اینکه از این مولوی پژوهی ترجمه ی دیگری از کتاب فرانکلین د. لویس وجود دارد با عنوان «حیاء جلال الدین و تعلیمه و شعره» که در دار نینوی به سال ۲۰۱۶ چاپ شده است و به و تازگی نیز ترجمه ای از دکتر عاکوب با عنوان میتافیزیک جلال الدین الرومی، مخطوط انتقادی و تأریخی (اثر خلیفه عبدالحکیم) دیده شده که باز هم توسط دار نینوی ۲۰۱۷ به چاپ رسیده است.

یکی دیگر از ترجمه های معاصرین عرب درباره ی مولانا، افکار و اندیشه هایش، ترجمه ی کتاب معروف ایلیف شفق ادیب و نویسنده ی برجسته ی کشور ترکیه است که آثارش با گرایش های عرفان اسلامی همراه گشته و لذا شهرت جهانی پیدا کرده است. این اثر جهانی به «چهل قانون عشق» معروف است که خالد الجبیلی آن را با نام «قواعد العشق الأربعون» (روایه عن جلال الدین الرومی) به ترجمه نموده است.

این کتاب بر مبنای حوادث سالهای ۲۰۰۷ میلادی و براساس زندگی زنی با نام ایلا است که ناگهان در چهاردهمین سال زندگی مشترک خود با انقلابی روحی و معنوی و مکاشفه ای عجیب مواجه شود که همه ی اینها حوادث جدیدی را برایش رقم می زند که همنا و هم رنگ با عرفان مولانا گردیده است. یعنی روایات این کتاب که در قرن بیست و یکم اتفاق افتاده کاملاً مرتبط با حوادث زمان مولانا و شمس تبریزی و احوال آنان می باشد (جبیلی، ۲۰۱۲: ۸-۱۰)

البته بر اساس داستان همین نویسنده، نمایشنامه ای با نام «قواعد العشق» توسط نویسندگان عرب ساخته شده است که این روزها توسط عادل حسان در کشور مصر به اجرا در آمده است و با محوریت سماع صوفیانه از یکسو و و پیوند حوادث مابین قرن ۱۲ و ۲۱ از سوی دیگر است!

از دیگر ترجمه های صورت گرفته معاصرین مولوی پژوهی عرب از تألیفات غیر عرب

می توان به رباعیات مولانا جلال الدین الرومی اشاره کرد که خالد محمد عبده به زبان فرانسه انجام داده و با ترجمه‌ی عائشه موماد صورت گرفته است. خالد محمد عبده پژوهشگر مصری مشهور است که در پژوهشهای مربوط به تصوف اسلامی بویژه مولانا کتب فراوانی به زبان فرانسه نگاشته است که مدیر سایت طواسین للتصوف والإسلامیات می باشد. نیز وی در سال ۲۰۱۶ با همکاری عائشه موماد کتاب «الرومی بین الشرق والغرب (مولانا جلال الدین الرومی فی الهند) را در کشور مصر نگاشت.

لازم به ذکر است که عائشه موماد نیز از مولوی پژوهان زن برجسته از شهر مستغانم مغرب و از دوستان نزدیک ایوادو ویتراوی میروویچ و از هواداران افکار و اندیشه هایش می باشد که پیش تر به آن اشاره شد.

کتاب دیگر «العشق والسلام» (المثنوی تفسیر جدید) نوشته‌ی پروفیسور سید قهرمان صفوی (معروف به سلمان صفوی) مولوی شناس مطرح ایرانی و رئیس مرکز بین المللی صلح و سرپرست علمی و سرویراستار دانشنامه‌ی معاصر قرآن کریم و مطالعات ایرانی لندن است که با مقدمه‌ی سیدحسین نصر و با ترجمه‌ی مصطفی محمود، و با زنگری طارق ابوالحسن در کشور مصر، صورت گرفته است. دارد.

دکتر محمد عیدابراهیم، اثر ارزشمند زن مولوی پژوه، موریل مائوفری را به عربی ترجمه نموده است با عنوان «بنت مولانا» که در انتشارات دار نینوی در سال ۲۰۱۴ به چاپ رسیده است. البته این کتاب در ایران با نام «کیمیا خاتون»، دختر مولانا توسط مهران قاسمی ترجمه شده است.

عساف خالد جبلی از زبان فارسی و ترکی رباعیات مولانا را به فرانسوی ترجمه کرده است که دکتر عائشه موماد آن را به عربی برگردانده است. هانی السعید هم از زبان اردو کتاب «رومی و اقبال» را که دکتر خلیفه عبدالحکیم از کشور پاکستان نوشته ترجمه نموده است. استاد دکتر ابراهیم عوض نیز از صاحب نظران مطرح ادبیات تطبیقی در کتابش فی الادب المقارن (مباحث و اجتهادات) به جلال الدین رومی اشاره دارد و از اشعار مولانا به وجد آمده و به ویژه بانگ نای مولانا را با ترجمه‌ی آورده است:

يَا مَعْنَى قَوْمٍ وَأَلْقِ كُلَّ غَمٍّ إِنَّ عِنْدِي النَّأْيَ فِيهَا بِالنَّعْمِ
ثُمَّ أَطْرِبُنِي بِأَشْعَارِ الْعَجَمِ وَأَطْرِدُنْ هَمًّا عَلَى قَلْبِي هَجَمِ



وَابْتَدَى مِنْهَا بَيْتِ الْمَثْنَوِي لِلْحَكِيمِ الْمَوْلَوِي الْمَعْنَوِي
وی معتقد است که بهاء‌الدین عاملی در کتابش کشکول از آن الهام گرفته.
(عوض، ابراهیم، ۱۳۵: ۲۰۰۶)

نتیجه‌گیری

- پس از ظهور مباحث شرق‌شناسی و ادبیات تطبیقی در جهان، اهتمام به مولوی پژوهی در میان پژوهشگران عرب بیش از حد انتظار شدت یافت.
- وجود آموزه‌های قرآنی، تفکرات عرفانی و آمال و آلام مشترک انسانی در اندیشه‌ها و آثار مولانا از انگیزه‌های ورود ادبا، نویسندگان و مترجمان عرب در پرداختن به آثار مولانا بود.
- سیر مولوی پژوهی عرب، شامل همه‌ی آثار اعم از ترجمه و تألیف که عرب و غیر عرب به زبان عربی نگاشته باشند است.
- اهتمام عمده‌ی مولوی پژوهان عرب بر ترجمه‌ی آثار مولانا بویژه مثنوی تعلق گرفت.
- مترجمان آثار مولانا در ترجمه‌های خود از شرح‌های مثنوی مولوی پژوهان مطرح فارسی نظیر استاد جلال‌الدین همایی، استاد فروزانفر و علامه محمد تقی جعفری و... استفاده‌های شایانی برده‌اند.
- مولوی پژوهان عرب در ترجمه‌ی آثار مولانا از روشهای جذاب و متنوعی همچون ترجمه منظوم و یا نثر شعری استفاده نموده‌اند.
- ترجمه‌های مولوی پژوهان عرب یا به طور مستقیم از آثار مولانا بود یا ترجمه‌ی کتب و مقالات غیر عرب درباره‌ی مولانا را شامل می‌شد.
- ترجمه‌ی آثار مولانا سبب شد تا ابواب جدیدی به سوی تألیف آثاری گرانبها در قالب کتاب یا مقاله در خصوص مولانا از سوی پژوهشگران معاصر عرب گشوده شود.
- آثار مولانا در پرورش خلاقیت شعرا و ادبای عرب تأثیر جدی گذارد تا جایی که در اشعار و داستانها و نمایش نامه‌های آنان انعکاس یافت. بانگ‌نای مولانا در میان مولوی پژوهان عرب از جایگاه ویژه‌ای چه در ترجمه چه در برخوردار شد.

- بدوى امين عبدالمجيد(١٩٧٩)؛الشاعر الكبير عبدالعزيز صاحب الجواهر من اعلام الثقافتين الفارسيه والعرييه، قاهره، مجله المنتدى، شماره ٢
- بكار حسين، يوسف(١٣٨٢)؛نحن و تراثفارس، دمشق، منشورات المستشاريه للجمهوريه الاسلاميه الايرانيه
- الجيبلى، خالد (٢٠١٢)؛قواعدالعشق الأربعون روايه عن جلال الدين الرومى، لندن، طوى للثقافه والنشر
- جمال الدين، محمد السعيد، قصائد مختاره من ديوان شمس تبريز لجلال الدين الرومى
- جمعه، بديع محمّد، (١٩٨٣)؛من روائع الأدب الفارسى بيروت، لبنان، دارالنهضة العربيه للطباعه والنشر،
- شتا، ابراهيم الدسوقي (١٤١٦)؛مثنوى جلال الدين الرومى (ترجمه و شرحه و قدم له) المجلد الأول، القاهره المجلس الأعلى للثقافه
- صاحب الجواهر، عبدالعزيز(١٩٥١)؛جواهر الآثار فى ترجمه مولانا خداوندگار محمد جلال الدين البلخى الرومى، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- عاكوب عيسى على (دت)؛احاديث مولانا جلال الدين شاعر الصوفيه الاكبر، ترجمه عن الفارسيه دمشق، لبنان، دار الفكر المعاصر
- عاكوب، عيسى على (١٩٧٨)؛الشمس المنتصره (شيمل، آنه مارى) دراسه آثار الشاعر الإسلامى الكبير جلال الدين الرومى، الطبعة الأولى، مؤسسه الطباعه والنشر
- عزّام، عبدالوهاب (١٩٤٥)؛فصول من المثنوى، دط، القاهره، مؤسسه الهنداوى
- عوض، ابراهيم(دت)؛فيالأدب المقارن مباحث و اجتهادات (دط) المنار للطباعه الكمبيوتر
- كفافي عبدالسلام(١٩٦٦)؛ الطبعة الأولى، مثنوى جلال الدين الرومى، صيدا، بيروت، المكتبة العصريه
- (٢٠٠٩)؛ عن جلال الدين الرومى القاهره، نشر جامعه مصر للعلوم والتكنولوجيا،
- محمّدى اشتهااردى، محمد (١٩٩٩)؛قصص المثنوى بيروت، دارالمحجّه
- منصور، محمّد ابراهيم(١٩٩٩)؛الشعرو التصوف، الأثر الصوفى فى الشعر العربى المعاصر ١٩٤٥
- مولانا جلال الدين الرومى(١٩٩٦)؛ مثنوى، ترجمه و شرحه و قدّم له د. ابراهيم الدسوقي شتا، القاهره
- ويلىك، رينه(١٩٩٦)؛ مفاهيم نقديه، ترجمه محمد عصفور، الكويت، منشورات عالم المعرفه
- هلال، محمد غنيمى(دت)؛الادب المقارن، ط ٥، بيروت، دارالعودة